

آرمان ملت

ارگان حرب ملت ایران

سال یکم شماره ۳۸ سهشنبه شانزدهم دی ماه ۱۳۵۹ بهار ۱۵ ریال

به یاد جهان پهلوان، تختی

یاد آن یل، آن خورشید به شب تابیده
آن گل رنج پرورد و آن پیک
پرشور پیروزی، گرامی باد

در صفحه پنجم

هنگامهای اندوهبار

روز بیست و هشتم و شبانگاه سی ام صفر برای همه مسلمانان جهان به ویژه شیعیان هنگامهای اندوهبار است. رحلت رسول اکرم (ص) و شهادت امام حسن مجتبی (ع) و سرانجام شهادت حضرت ثانیه علی بن موسی الرضا (ع)، این دوروز را طی زمانهای دراز، روز عزاداری باور آوران رسالت و پذیرندگان امامت کرده است. ایرانیان همه گاه در باد و بسیں فرستاده خدا و ستارگان درخشان آسمان ولایت با عنایت ایزد یکتا خود را پیروان اسلام راستین می‌دانند و امیدوارند در پناه ولی عصر (ع) و با تلاشی خستگی ناپذیر، میهن خویش را که سرزمین یکدایران است از گزند اهریمنان بدور دارند.

«مرگ بردو غگو»!!

کار بدستان آتش زیر خاکستر را دامن میزند

نمود و اکنون رانندگانی که با تحمل هزینهای گزاف اتومبیلهای خود را با شرایط تعیین شده هماهنگ کرده‌اند، پریشان و سرگردان مانده‌اند. رانندگانی نیز که پروانه اشتغال را دریافت کرده‌اند با دشواری‌های بسیاری روپرتو هستند و شهرداری تهران برای اینگونه رانندگان پیازده لیتر بنزین، جیره روزانه را تعیین کرده است. سیاری از رانندگان اعتقاد دارند این اندازه بنزین روزانه کفاف یک روز کار را نمیدهد و باش هزار ریال عوارضی که شهرداری برای هرماه تعیین نموده است، درآمد آنان بسیار اندک می‌باشد. استهلاک اتومبیل، تعویض روغن، عوارض شهرداری... دست بزرگ دست هم داده و رانندگان را با دشواری‌های بسیار روپاروی نموده است. نکته جالب توجه در این مورد سخنان نخست وزیر در پانزدهم آذرماه ۱۳۵۹ در کنفرانس استانداران می‌باشد که مشکل بیکاری را مورد بررسی قرار داده و آن را آتش زیر خاکستر خوانده است.

حال که کار بدستان هم، بیکاری را بلای جان جامعه انقلابی ایران می‌دانند چگونه با دست خود آتش زیر خاکستر را دامن میزند تا همه‌جا را بسوزاند. طرح صدور پروانه‌های کار برای مسافر کشتهای شخصی با وجود نارسانی‌های بسیار مرهمی بقیه در صفحه پنجم

در جهان ملتها چه می‌گذرد

در صفحه هشتم

گزارش‌های از درون عراق

در صفحه سوم

انحصار گری زمینه‌ساز ناامنی‌ها

به یاری مردم، میهن و انقلاب رانجات دهید

شعار یابر نامه؟

باز سازی کشاورزی نیاز به برنامه ریزی سنجیده دارد
با آوازه‌گری کاری پیش نمیرود

کار بدستان انقلاب باید از وجود کسانی استفاده نمایند که دارای تخصص، تجربه و بینش لازم بوده و از اعتقاد راسخ به انقلاب نیز برخوردار باشند. ولی جای تعجب است که در انتخاب کاربدستان تنها موضوعی که در نظر گرفته نشده، همان تخصص، تجربه و کارائی کشاورزی را در جهت ناوابستگی سوق دهد برای انجام این رسالت

صاحبه با «بیرکل حزب دموکرات کردستان عراق»

ملت ایران باید حقیقت‌های تاریخی را بدآند

مهندس علی عبدالله از بنیاد گذاران حزب دموکرات کردستان عراق ویکی از همزمان دیرپای شادر و ملامطفی بارزانی می‌باشد و اکنون هم دیرکلی حزب را بعهده دارد. مهندس علی عبدالله، رفتن نماینده دیرکل خانه حزب ملت ایران و خبرنگاران نامه «آرمان ملت» را به اردوگاه پیشمرگان کرد با گرمی پذیراش و مصاحبه‌ای پیرامون گذشته مبارزاتی و سیاست کنونی حزب دموکرات کردستان عراق داشت که عین آن درج می‌گردد.

بقیه در صفحه سوم

مردم به راستی

نگران آینده‌اند

گزارش روشن و گویای صادرات کشور را انتشار دهید

برای توسعه صادرات کشور چه برنامه‌ای دارید

مورد توسعه صادرات ایران. از صادرات کشور در سال ۱۳۵۸، ۱۲۵۸ ولی بیش از آنکه به بررسی آمارهای انتشار ایفایه از جانب مرکز توسعه صادرات ایران پرداخته شود، لازم می‌بینند این بقیه در صفحه ششم

بدیهی است که شرط پیروزی نهایی هست جنبش انقلاب درنابود کردن امکانهای گوناگون رشد ضد انقلاب می‌باشد و به کانون قدرتی چه آرمانخواهانه تلاش در خارج فریب خود را می‌جویند تا شاید بتواند نیروهای بسیج شده و رشد یابنده انقلاب را از کارائی و توانمندی بدر آورند.

چرا جنگ به دیری می‌پاید؟ مردم در عطش پیروزی روند «نبرد میهنی» را موجی نو و کوبنده باید

جنگ همچنان به دیری می‌پاید و درهم شکستن ارتش تجاوز گر عراق به فردا و فرادها می‌افتد و دشمن برمدم و برشهر و روتاست ایران مرگ و ویانی می‌ریزد. ایرانیان هم به ایثار ایستاده اینها نثار کرده و همه هستی و زندگی خود را ارمغان می‌دارند، ارمغان جنگ، ارمغان تا راندن دشمن و اردن پیروزی.

مردم بی‌پروا از هر خطیزی به پاس میهن پر خاسته و دریافت‌هاند و نیک دریافت‌هاند که برق سرنیزه دشمن در فضای ایران، پیام درد و نکبت است و پیام سرافکندگی است و دریافت‌هاند که نکبت و سرافکندگی را نمی‌توان پذیرا شد.

مردم در زدودن این نکبت از گستره میهن پیمان نهاده‌اند و از پیمان خود به هیچ قیمت باز نمی‌گردند و به راستی چنان می‌جنگند که هرآشنا و بیگانه به شگفتی درآمده است و هریاداری و دلیری را از نظرها، افکنه‌هاند ولی با اینهمه، دشمن برسز می‌ایران چیرگی می‌کند. دشمنی که رو درو است ناچیز و بی‌ارزش و از دزون پوشیده است و جنگ اوران ایران هم برآن ضربه‌ها فرو کوفته‌اند.

کاردانی و کار آمدی و جانبازی جنگ اوران ایران از همان روزهای نخست دشمن را سراسیمه ساخت و آن را به جستجوی راه آشته و «آتش بن» واداشت دشمن که همه پندارهای خود را نادرست یافت، به آشکارا در صدد آن برآمد که به گونه‌ای نه چندان زیانبار، دامن بیکار را رها سازد و درین راه میانجی‌ها سرانگیخت و پیامها فرستاد.

سامان دهنده‌گان جنگ نیز، از همان هفته‌های نخست نوید پیروزی نزدیک دادند، و از آسیب‌ها که بر دشمن زده‌اند، سخن‌ها را ندند.

مردم سرخوش از فرو کوفن دشمن، دلگرمی‌ها پدید آورده‌اند، از هرگوشه و کنار به میدان شتافتند، و از هرگروه به برگرفتن سلاح شوقياً آشکار ساختند.

از دوشیزه‌گان نوجوان شهری تامدادان سالخورده روزنایی و از دانشجویان مرکزهای آموزشی تا کلانترهای ایلی، همه و همه گروههای اجتماعی به فداکاری آمدند.

روحانی و سپاهی و پیله وردیوانی شورها در افکندند و به راستی در همه جا غلغله ایثار برپا بود و شور و ایثار ایرانیان در پاسداری میهن داستانها پدید آورد.

به یاد آوریم، آن مردمی را که در فرودگاه چشم به راه می‌مانند تا جنگیان از سفر مرگ باز آیند، پس برایشان گرد می‌آمدند و هلله‌های می‌گردند و قربانی و گل بر با و بقیه در صفحه دوم

در و در وان قابناک همه شهیدان نبرد میهنی

آدمان ملت

لرگ جرج منت ایران

«این شیوه برداشت پذیرفتی نیست. دشمن چنان تووانی و کارآمدی ندارد، که بدین تدبیرها نیاز باشد. وانگ همی ایشون تا زیر را در خاک دشمن به اجراء گذارید. سپردن گوشه‌هایی از میهن به دشمن به انتظار فرسوده داشتن آن، استدلای است سخت نادرست».

«به گمان چنان می‌رسد که این شیوه برداشت از رویهای بسیار اختیاط کار و ناستوار برخاسته است.»

«فرماندهی جنگ می‌باید بیشترین تحرک را در خود گرد آورده باشد و می‌باید روش بینی و حسابگری را با شجاعت و درایت استوار گردد.»

«اینک چنین احساس می‌شود که زمان دگر گونی روحیه فرماندهی فرا رسیده و باید چنان مجموعه فرماندهی فراهم آورد که دلیرانه برداشتن به تزلزل افتاده بتازد.»

«اینک زمان آن است که بر سرتاسر مرزهای دشمن بحمله‌های دلیرانه برداشته باشد، در هر گوشه خاک دشمن باید آتش‌ها افروخت.

باید از بلندیهای کلاشین تاجزیره مینو، همه جادشمن را به ستیز کشید. باید اجازه جنگ بسیار به درازا کشد و باید فرصت گذارد که دشمن بسیاری و زاینجه و آنجا سازو برگ جنگ فراهم آورد.»

این نوشته‌ها به روشی از نوشته‌های جبران ناپذیری که دشمن رانشان می‌دهد و فرماندهی جنگ را به یافتن نارسانی‌ها رهنمون می‌آید ولی به آنها عنایت نشده و بر راهی پانه‌داند که فرسایشی شدن جنگ را دریابی می‌داشت.

باز در شماره سی و سوم نامه آرمان ملت به تاریخ یازدهم آذرماه ۱۳۵۹ یادآوری شد «فرسایشی شدن جنگ گذشته از زیانهای جبران ناپذیری که به ایران می‌زند به دشمن آسیب دیده فرصت چاره‌اندیشی و گرد آوردن سازو برگ و نیروی تازه می‌دهد، باید این فرصت را از آن بازستادن.»

باز در شماره سی و ششم نامه آرمان ملت به تاریخ دوم دیماه ۱۳۵۹ زیر عنوان های بسیار گویای «در داراکشیدن جنگ زیانی است. همه قدرت سازمانی و سیاسی کشور باید به کار گرفته شود.»

چنین نوشته آمد «بی‌عیج گفتگو ایران از دشمن نیرومندتر است و به شماره رزنده‌گان ایران از دشمن فزونت و از جنگ افزار همکاری تی ندارد و از همه بالهمیت‌تر توائندی روحی و شور جنسی ایرانیان که انقلابی ترک را پشت سر گذاشتند به هیچ روحی باعراقبهای دراختناق به سربرده سنجیدنی نیست، پس چرا برافکنند تجاوز گران چنین به دیری و درنگ کشیده است.»

آنکه در روبه روى ایران قرار گرفته، دشمنی است پریشان و درمانده و از درون و برون گشور خود آسیب‌های فراوان دیده، ایستادگی این دشمن و به جاماندن نشانه‌های چیرگی‌های نخستین برای آن حکایتی سخت ناروا است.»

چنین دشمنی باید روزها و هفته‌ها پیش، از سرزمینهای ایران تارانده شده و نظم داخلی آن نیز در هم ریخته باشد و اگر چنین نشده بی‌تردید دشواری در میان است و بی‌تردید این دشواری در سردم و در چنگویان ساده نمی‌باشد. هر دشواری را باید در سامان بخشی و فرماندهی جنگ و گردانندگی کشور جستجو کرد.»

هر کدام از کاربرستان کشور و فرماندهان که توائی پدید آوردن پیروزی در کوتاه‌ترین زمان را ندارند باید هرچه زودتر جای خود را به دیگری بدهند تا از داوری تلخ تاریخ به رهند.»

درستی این نوشته‌ها اکنون بسیار آشکار است، و نیازی به افزودن چیز دیگری بر آنها نمی‌باشد و فقط امید می‌رود که سامان دهنده‌گان جنگ از لافرنی بپرهیزند و به کار و پیکار روى آوردن و آنان که آگاهی و توائی فراهم آوردن پیروزی در زمانی بسیار کوتاه را ندارند جای به دیگر کسان پردازند و اگر جز این کنند هم بر خود سته گرده‌اند و هم بر مردم ایران و امید آنکه بر این ستم دیده مردم دیگر ستم فزون نکنند.

همزلم ارجمند حسین ختنی
هر گذشت شادروان علی را تعجب را به شما تسلیت می‌گوید
شورای یازاریان سازمان شهرستان تهران
حزب ملت ایران

همزلم ارجمند حسین رفاسی
در گذشت اندوهبار خواهر گراماترا تسلیت می‌گوید
دیگر خانه سازمان شهرستان اصفهان
حزب ملت ایران

چرا جنگ به دیری می‌پاید

جاده‌ها به پیش می‌راند و پر شهر و روستاهای غرب و جنوب کشور آسیبهای جبران ناپذیر می‌رساند.»

در هم شکستن این نامردان، بر ملت ایران دشوار نبوده، اگر تاکنون این خواسته برآورده نشده، دشواری در کار است که باید آن را یافت و از میان برداشت.»

«تاراندن و کوبیدن ارتش مزدور صدام حسین، نیاز به اینهمه دلیری و ویرانی ندارد. این تجاوز گران دست نشانده باید بسیار اسانتر و وزودتر از اینها فرو گرفته می‌شند.»

«از آنجه تاکنون رفته است چنین برمی‌آید که نارسانی‌ها و ناآگاهی‌ها و ناتوانی در کار می‌باشد و باید همه را آشکار کرد و هرچه زودتر به رفع آنها پرداخت.»

«سامان دادن جنگ های دوران کنونی، به آگاهی و تخصص‌های ویژه نیاز دارد. صحنه جنگ صحنه آزمایش و اختلال نیست و هر برداشت ناروا و هر تصمیم نادرست زیانها و کشته‌ها به بار می‌آورد.»

«در هنگامه پرود و آتش جنگ فقط آنها که شایستگی ورزیدگی تمام دارند باید به تصمیم‌گیری و فرماندهی باشند.»

در شماره سی ام نامه آرمان ملت به تاریخ سیزدهم آبانماه ۱۳۵۹ چنین نوشته شد: «با آنکه کارشناسان نظامی بر جسته جهان ناآگاهی و ناتوانی ارتش مزدور دولت نزاد گرای بعث عراق را شناخته و گواهی کرده‌اند ولی کدام عامل سبب شده است که مشتی سفله این سان برایران انقلابی درشتی کنند.»

در مجموعه عاملهای پیروزی آفرین بیشترین نارسانی کشور در قدرت سیاسی سامان دهنده جنگ است.»

«دست اندر کارانی که می‌باید اسیاب ظفر مندی ارتش آشکارا ناشایستگی نشان داده‌اند.»

«اینک زمان آن است که دولتمردان و دست‌اندر کاران کشور به خود آیند و پیش از این در فراهم داشتن سامان جنگ باسیسته سستی روا ندارند و همچنانکه بارها گفته شده است آنها که دنایانی و توائی اجرای این وظیفه بزرگ تاریخی در خویش نمی‌بینند باید که جای خود را به کسانی کاردار و کارگر، بسیارند باشد که پیروزی حاصل آید.»

در شماره سی و پنجم نامه آرمان ملت به تاریخ بیستم آبانماه ۱۳۵۹ باز هم نوشته آمد: «همه و عده‌ها که بر تاراندن تجاوز گران داده شده تاکنون صورت می‌گیرند و اینکه دشمن هنوز پایپر جا مانده است، سنجیده بودن و شهر و روستایشان را درینچه بیداد گرفتار.»

خبرها که دولتمردان و سامان دهنده‌گان جنگ از پریشانی دشمن می‌آورند، آرزوی پیروزی را در قلب‌های مردم، تیز تر و بید آمدن چرگی نزدیکتر می‌نمود و هیچکس تا راندن دشمن را دیر نمی‌دید.»

اگر خبر آسیب‌ها که بر دشمن زده شده درست و آگاهانه باشد، پایداری آن باید تاکنون پایان یافته باشد و اینکه دشمن هنوز پایپر جا مانده است، سنجیده بودن خبرها و در بی آن باور مردم را به تردید می‌کشاند.

راست است که برای استوار کردن اراده مردم باید از ظفر مندی‌ها خبر داد و لی این خبرها باید چنان باشد که پندراری ناروا در ذهن مردمان پدید نیارود.

امروز مردم، بر پایه خبرها و پیام‌ها که دریافت داشته‌اند، به تشنجی پیروزی نشسته‌اند، پیروزی بسیار نزدیک و دیگر با هیچ روی نمی‌توان آبی براین تشنجی روا و درست آنان پاشهید.

تنها پیروزی می‌تواند این تشنجی را فرو نشاند و دیگر هیچ ولی آنچه از دولتمردان و سامان دهنده‌گان جنگ شنیده می‌شود، داستان دیگری است که دست کم بیو پیروزی نزدیک از آن بر نمی‌خیزد. خبرها که به آگاهی همگان رسانیده‌اند، سازگاری ندارد.

دشمن باید بسیار زودتر از اینها سرکوب شده باشد، آخر صدام‌حسین کیست و ارش عراق چیست که پس از اینهمه جانفسانی‌ها چنین استوار مانده باشد.

اگر به راستی ارتش صدام‌حسین چنین کار آمد و توانا می‌باشد (که بی گفتگو چنین نیست) چرا آن خبرها را به مردم دادند و چرا این عطش را در مردم آفریدند و اگر چنین نیست که چرا اینکه از دیدن جبهه‌ها و گفتگو با فرماندهان سخن‌ها به میان آمد.

راستی آن است که صدام‌حسین و ارش پریشیده عراق چنین جایگاهی ندارد و راستی آن است که می‌باید بسیار آسانتر و زودتر آنان را فرو کوفته باشند و اگر چنین نگردد، کار سامان دهنده‌گی جنگ با دشواری رو به رو است.

این نکته به تازگی پیش کشیده نشده است و حزب ملت ایران از هفته‌ها پیش آنرا به روشنی دریافته و به آشکارا باز گو کرده بود و دولتمردان و سامان دهنده‌گان جنگ را پیام داد که دشواری نهفته را دریابند و از میان بردارند ولی دریغا که براین هشدار التفات نکردند و این همان قاعده‌های رفتند که نارسانی‌هاش آشکار بود و اینکه عطش سیراب‌نشده پیروزی، می‌بود تا زبانها را خشک سازد و گره بر ابروان مردم پدید آرد.

برای آنکه این گوشزدگان را به سرپروردی دوباره، راه نشان داده آید، بخش کوچکی از نوشته‌های گذشته باز آورده می‌شود.

در شماره بیست و نهم نامه آرمان ملت به تاریخ بیست و نهم مهرماه ۱۳۵۹ چنین نوشته آمد «هفته‌ها از جنگ می‌گذرد، و با همه دلاری‌ها که مردم کردند، هنوز در بعضی بخشها دشمن به سرزمین ایران ایستاده است. هنوز سررودها پل می‌بندند و در

دوششان می‌دیختند.

به یاد آوریم، حکایت آن روستائی سالخورد را که در کنار فرودگاه، هوابیمهای جنگی را به هوشیاری می‌شمرد و به شما آنان، آیت الکرسی می‌خواند و بدرقه راهشان به آسمان می‌فرستاد و بر جای می‌ماند، تا جنگیان از راه فروز آیند و پیام سرکوبی دشمن آورند و تا باز نمی‌گشتند به کاشانه نمی‌رفت.

به یاد آوریم، مادری که جگر گوشه خود را از دور دستهای جهان به میهن باز آورد و با اصرار خواست تا به خط اول جبهه، به خط آتش و مرگ بفرستد و بر وی از گفته پدر چنین حکایت می‌داشت که میهن عزیزتر از جان است.

به یاد آوریم آن بانوی سالخورد روستائی را که چند گردنهای نان و اندکی خوش، که همه هستی او می‌سود، از مغان جنگیان ساخت بدهین بیا م که این خوراک بر جنگیان بیشتر روا است.

به یاد آوریم، ونیک به یاد آوریم که ارتشیان رانده شده وحتی از تشنیان بندی، آزردگی‌ها از بیان مردم برسند و بشوq برخاستند و به خواست خویش، به رزگاه شافتند و پیمانه زندگی به پیمان میهن باختند.

این غلغله که در آسمان دهنده‌گان جنگ هم آرزوی خود را می‌جستند. اینک در پایان پانزدهمین هفته جنگ، هنوز دشمن بخشی از ایران زمین را جولاگاه خود دارد و صدها هزار مردم آواره از خانه خویش بی گذران معاش اینسو و آن سو می‌خسندند مردم از جانبازی‌های خود پیامد دیگری چشم شنیدند و هرگز نمی‌بنداشتند که پس از گذشت چنین زمانی در جنگ باز هم از دشمن و درشتی خواهند دید و شهر و روستایشان را درینچه بیداد گرفتار.

خبرها که دولتمردان و سامان دهنده‌گان جنگ از پریشانی دشمن می‌آورند، آرزوی پیروزی را در دشمن زده شده درست و آگاهانه باشد، پایداری آن باید تاکنون یافته باشد و اینکه دشمن هنوز پایپر جا مانده است، سنجیده بودن راست است که برای استوار کردن اراده مردم باید از ظفر مندی‌ها خبر داد و لی این خبرها باید چنان باشد که پندراری ناروا در ذهن مردمان پدید نیارود.

امروز مردم، بر پایه خبرها و پیام‌ها که دریافت داشته‌اند، به تشنجی پیروزی نشسته‌اند، پیروزی بسیار نزدیک و دیگر با هیچ روی نمی‌توان آبی براین تشنجی روا و درست آنان پاشهید.

تنها پیروزی می‌تواند این تشنجی را فرو نشاند و دیگر هیچ ولی آنچه از دولتمردان و سامان دهنده‌گان جنگ شنیده می‌شود، داستان دیگری است که دست کم بیو پیروزی نزدیک از آن بر نمی‌خیزد. خبرها که به آگاهی همگان رسانیده‌اند، سازگاری ندارد.

دشمن باید بسیار زودتر از اینها سرکوب شده باشد، آخر صدام‌حسین کیست و ارش عراق چیست که پس از اینهمه جانفسانی‌ها چنین استوار مانده باشد.

اگر به راستی ارتش صدام‌حسین چنین کار آمد و توانا می‌باشد (که بی گفتگو چنین نیست) چرا آن خبرها را به مردم دادند و چرا این عطش را در مردم آفریدند و اگر چنین نیست که چرا اینکه از دیدن جبهه‌ها و گفتگو با فرماندهان سخن‌ها به میان آمد.

راستی آن است که صدام‌حسین و ارش پریشیده عراق چنین جایگاهی ندارد و راستی آن است که می‌باید بسیار آسانتر و زودتر آنان را فرو کوفته باشند و اگر چنین نگردد، کار سامان دهنده‌گی جنگ با دشواری رو به رو است.

این نکته به تازگی پیش کشیده نشده است و حزب ملت ایران از هفته‌ها پیش آنرا به روشنی دریافته و به آشکارا باز گو کرده بود و دولتمردان و سامان دهنده‌گان جنگ را پیام داد که دشواری نهفته را دریابند و از میان بردارند ولی دریغا که براین هشدار التفات نکردند و این همان قاعده‌های رفتند که نارسانی‌هاش آشکار بود و اینکه عطش سیراب‌نشده پیروزی، می‌بود تا زبانها را خشک سازد و گره بر ابروان مردم پدید آرد.

برای آنکه این گوشزدگان را به سرپروردی د

آدمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

صفحه سوم

مرزی « حاج عمران » را آغاز کردیم تا پتوانیم ضربتی کاری به ارتش عراق وارد کنیم و با باز نمودن این جبهه فشار بعثی ها را در جبهه های جنوب ایران کاهش دهیم. جبهه دیگری هم در خاک عراق در منطقه « مرگسور » به رژیم بعث عراق و دستهای خدمتگزار رژیم سابق ایران و سوا کهها شناخته و تنبیه شوند.

ما دشمنی با جمهوری اسلامی ایران را دشمنی با خود میدانیم و در حال حاضر با تمام نیروی خود آماده ضربه زدن به رژیم بعث عراق شده ایم. ما برای اثبات حقیقت خواسته ای خود، حمله به منطقه

ایران این حقایق تاریخی را بداند و می خواهیم تا گروههای وابسته به رژیم بعث عراق و دستهای خدمتگزار رژیم سابق ایران و سوا کهها شناخته و تنبیه شوند.

ما دشمنی با جمهوری اسلامی ایران را دشمنی با خود میدانیم و در حال حاضر با تمام نیروی خود آماده ضربه زدن به رژیم بعث عراق شده است. سیاسی حزب گشوده شده است که در حال جنگ پارتیزانی با مزدوران بعضی میباشد.

گزارش های از درون عراق

اعدام مبارزان کرد

دولت نژاد گرای بعث عراق به تازگی نوزده جوان مبارز کرد عراق را شبانه در زندان شهرستان موصل اعدام کرده است. نام این قربانیان نظام استبدادی وابسته به بیگانه که تاکنون هرجتیشی را ددمنشانه سرکوب کرده است در زیر آورده میشود:

- عمر علی عمر از سکنه ده عسکر استان سلیمانیه.
- عبدالرحمن محمد صالح از سکنه ده عسکر
- طفیل عبدالله ابراهیم از پخشداری سنگر
- اکرم محمد ظاهر از سکنه سلیمانیه
- عثمان محمود محمد از سکنه سلیمانیه
- احمد خدر حسین از سکنه اربیل
- خضر حمسور.
- جمعه حمزه محمد
- فرزه عبدالله فرزه
- حسین عبدالله حسن
- حسن امین صالح
- عبدالله حسین عبدالله
- ابراهیم محمود محمد از سکنه سلیمانیه
- ابراهیم رسول قادر از سکنه رانیه
- پیروت ابراهیم مامن از رانیه
- حسن فقی اعلی از ده عسکر
- عثمان خدر مصطفی از ده عسکر
- محمد حاجی خدر از فرمانداری رانیه
- هوار عبدالله احمد از ده سرگل استان دهوک.

گروگانگیری کاربدستان دولت

در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۹ پیشمرگان حزب دمکرات کردستان عراق در استان دهوک توانستند دو مهندس را که یکی از آنها مصری و دیگری عراقی و هر دو گارمند دولت میباشند دستگیر کنند. نام مهندس مصری، کیمی‌سید عاصم عراقی رزگار محمد آقادار است که هر دو اکنون در اختیار پیشمرگان شاخه یکم حزب هستند.

گسترش جنگهای چریکی

حزب دمکرات کردستان عراق گزارش عملیاتی پیشمرگان خود را در ماه آذر به شرح زیر انتشار داده است.

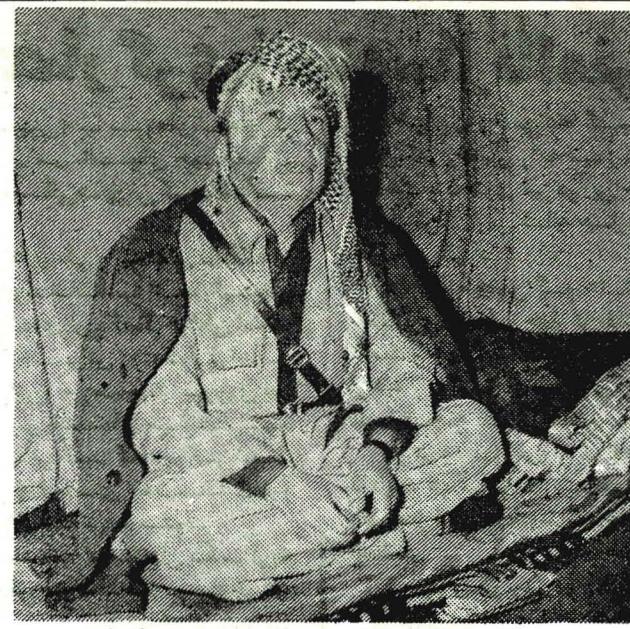
در ۱۳۵۹/۹/۴ پیشمرگان حزب وارد شهرستان خورمال- فرمانداری حلچه- استان سلیمانیه شده و در این در گیری دشمن سه کشته و دو زخمی داد که یکی از زخمیها افسریار محمد عبدمندلاوی میباشد.

در ۱۳۵۹/۹/۶ توتمان در فرمانداری پنجوین استان سلیمانیه حمله کرده و نیروهای دشمن را به محاصره در آوردند بخشی از نیروهای دشمن که از کانی مانگا به کمک نیروهای محاصره شده در توتمان میرفتند نفر بر آنها وسیله مینی که پیشمرگان در راه آنها گذاشته بودند منفجر شده و شانزده کشته و زخمی بر جای گذاشت.

در ۱۳۵۹/۹/۱۴ پیشمرگان حزب در اورامانات بخش عراق بار دیگر به نیروهای دشمن در توتمان فرمانداری پنجوین حمله کردند و نفر بر نیروهای کمکی دولتی نیز در راه وسیله مین پیشمرگان منفجر شد و دشمن در این در گیری بیش از سی کشته و زخمی داشته است.

در ۱۳۵۹/۹/۱۶ پیشمرگان حزب به هنگ ارتش بعث در ایشکی و پاسگاههای حفاظتی آن، در فرمانداری العمامیده حمله کردند که در نتیجه دشمن شست کشته و زخمی داد و دو خودروی نظامی دو توپ دو مسلسل دیکتاریوف از دست داد.

در ۱۳۵۹/۹/۱۹ پیشمرگان در یک حمله قهرمانانه به مواضع دشمن در سردریا و شهروان فرمانداری مرگسور، تلفات جانی و مالی زیادی به نیروهای بعث وارد آوردند. در ۱۳۵۹/۹/۲۱ پیشمرگان حزب دمکرات کردستان عراق وارد شهرستان چومان از فرمانداری رواندوز استان اربیل شده و ضمن شعار دادن به نفع جنبش رهائی بخش کرد عراق اعلامیه های حزب را به دیوارها چسباند و چند مرگر دشمن را زیر آتش گرفتند و سپس همگی به سلامتی به پایگاه خود بروگشند.



مهندس علی عبدالله دبیر کل حزب دمکرات
کردستان عراق در خیمه خود

ایران را پخش مینمود. پس از هجرت امام خمینی به پاریس ملا مصطفی بارزانی که برای معالجه در واشنگتن به سر میبرد (دولت ایران اجازه رفتن پیوستند) پس از یکسال جنگ سخت، دشمن بیش از ثابت هزار نفر کشته و شصت هزار نفر زخمی داشت و مهماتش به کلی تمام شده بود.

نقش امپریالیسم امریکا در شکست شورش کردها

دستور داد که یک هیئت به نزد امام خمینی فرستاده شود و تمام نیروی حزب در اختیار ایشان قرار گیرد و به این دستور بی درنگ عمل شد. پناهندگان کرد عراقی در انقلاب ایران سهم داشتند و در بعضی شهرها شهید هم دادند. بعد از قرارداد الجزاير در همه نشریه های حزب دمکرات تنظیم نمود و میتوان گفت که امپریالیسم امریکا بیشترین سهم کردستان عراق بر ضد امپریالیسم آمریکا و رژیم های عراق داشت. دست نشانده آن در منطقه به شدت تبلیغ شده است و بدین جهت بود که مأموران سواک پس از پناهندگان را به نقاط دورافتاده ایران فرستادند و گروهی را هم به عراق فرستادند و در آنجا به وسیله اعدام شدند.

بعد از پیروزی انقلاب بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ از طرف مرحوم ملا مصطفی بارزانی و دفتر سیاسی حزب که در آن زمان به « قیاده موقت » مشهور بود، تلگرام تبریکی برای امام خمینی ارسال شد. در این مطابعات هم به چاپ رسید.

س- علت حمایت حزب شما از انقلاب اسلامی ملت ایران چیست؟

ج- علت حمایت حزب دمکرات کردستان عراق از انقلاب و جمهوری اسلامی اینستکه: ۱- به نفع « مستضعفین » میباشد و به ملت های زیر سلطه قول همکاری داده است.

۲- نظام طاغوتی را که برض ملت ایران و کرد ها بوده از میان برداشته است.

۳- مخالف رژیم نژاد پرست بعث است.

۴- پیمان سنتور را که علیه ملت های منطقه بود از میان برده است.

۵- با امپریالیسم امریکا، دشمن « مستضعفین » و برقرار کردند که در خاک عراق و پناهندگان کرد عراقی در ایران به بشتبانی کامل از آن برخاستند و وادیو « دنگ کردستان » همواره اعلامیه های طرفداری از انقلاب ایران دارید؟

۵ صاحب با

هنگام رسیدن به خاک عراق، مانند یک قهرمان پیروز سال است. همگانی روپرورد. بعد از پیروزی انقلاب عراق در سال ۱۹۵۸، نمایندگانی به بغداد فرستادند از جمله حزب دمکرات کردستان عراق سه نماینده برای عنوان نمودن خواسته های کرده ااعزام نمود.

درنتیجه این نشسته ادار قانون اساسی وقت آن سال ثبت شد که کرد و عرب « متساوی الحقوق » هستند تا در کشور عراق یکسان زندگی کنند.

ملا مصطفی بارزانی بطور قاطع جمهوری جدید را مورد تأیید قرارداد و این شیوه ادامه داشت تا آنکه رهبران انقلاب بخصوص شخص عبدالکریم قاسم انحراف حاصل نمود و حقوق برابر کرد و عرب را زیر پا گذاشت.

جمهوریت عبدالکریم قاسم حزبها و سازمانهای سیاسی را سرکوب کرد و عشاپر وابسته به خانواده و همزمانش ناگزیر به آمدن به داخل ایران و استقرار در مهاباد و اطراف آن شدند.

در این هنگام دستهای گروههای کرد که از استعمار انگلیس و دولت پادشاهی عراق و ضریفه خوده بودند یک خانواده و سازمانهای نمودند و آنهم گرد آمدند و بنیاد گذاردن حزب دمکرات کردستان عراق بود.

این حزب هیچگونه هدف تجزیه طلبی نداشت و تنها خواهان برقراری برابری میان عربها و کرد ها در کشور عراق بود.

در آن زمان ارتش ایران که تازه به آذربایجان کردستان آمده بود و گماشتنگان بیگانه بر آن فرماندهی میکردند به دستور شاه از قبول پیشنهادهای ملا مصطفی بارزانی دائز بر



سعید بارزانی و مهندس علی عبدالله به سوی هزار شهیدان کرد میروند

و دید دیگر قادر به جنگ جههای با عراق وهم پیمانش نیست مجبور به تغییر شیوه مبارزه سال گردید و سیاری از رهبری « خودمختاری » کرد ها با قانون اساسی وقت تعیین میکردند. بعضی ها از این شرط استفاده کردند و با توطئه های گوناگون از اجرای قرارداد مذبور، خودداری نمودند و بین کرد ها و دولت پادشاهی پناهندگان در این میان گردان و سالماندان را به عراق بازگرداند و خود با پانصد تن از پیشمرگان در سال ۱۹۴۷ به روسیه شوروی پناهندگان در این کشور باقی بماند.

سراجمام در داخل ایران خودداری نمود. فشار دولت نشانده ایران و دولتها عراق و ترکیه که هر دو زیر سلطه استعمار بودند، ملا مصطفی بارزانی را واداشت تا زنان و کودکان و سالماندان را به عراق بازگرداند و خود با پانصد تن از پیشمرگان در سال ۱۹۴۸ به روسیه شوروی پناهندگان در این کشور باقی بماند. سراجمام در عراق به رهبری عبدالکریم قاسم انقلاب به وجود آمد و جهه میمهنی تشکیل شد که در آن همه حزبها و سازمانهای سیاسی شرکت کننده در انقلاب گرد آمدند. از آنجا که ملا مصطفی بارزانی قربانی رژیم پادشاهی عراق شده بود، لذا کرد ها و سایر حزبها خواستار مراجعت وی شدند و

زنی که گوشوار از گوشها برکند، پیروزی که النگواردست برگرفت، کارگری که تمامی مزد روزانهای را به صندوق جمع آوری کمک ریخت و داشت آموزی که مداد و قلم و کتابچه خود را پیشکش کرد و اینها نمونه‌های کوچکی از ساور و مهر مردم به

یاد آن یل، آن خورشید به شب تابیده و آن پیک پرشور پیروزی، گرامی باد

این پهلوان نجیب، کم‌سخن، پرکار، ساده و بی‌ریا بود. غلامرضا تختی، رسم دوران، یعنی که به بازار خود در فرش افتخار برافراخت، کارمند ساده‌ی راه‌آهن دولتی ایران بود و با حقوق اندک، باز زندگی خود و خانواده‌اش را بدوش می‌کشید. آن خورشید به شب تابیده، آن گل رنج پروردۀ آن پیک پرشور پیروزی که مهرش کلاف نواهای از هم جدا را بهم می‌بافت و دانه‌ی پریشیده‌ی دل‌هارا به یک رشته و یک‌بند می‌کرد، در کبود خاموش سرچه‌ی اهریمنی به خنجری از پشت در سی و هفت سالگی از پای در آمد. مرگش را گرجه سیزده سال از آن می‌گذرد، هنوز به آسانی باور نتوان کرد که چنان رویان و پویا بود که نفس زندگی، که شکوه هستی.

دریغ که رستم زمانه، امروز در میدان نبرد، تاریکی و روشنی، حق و باطل حضور ندارد تا پرچم مبارزه را بر دوش کشد و دشمن را با صلابت تاریخ صلا در دهد.



تختی برای واپسین بار دریک میدان داخلی

آیتی به تصویر شرم و شکوه بود هر گز کُر ننگریست و جز به مهر روان نشد. گام‌های بلند و پرصلابتیش جز برای مردم و میهن بر زمین فرود نیامد. گرچه بر سفره پدر فقر را که میهمان ناخوانده‌ی بیشتر ایرانیان بود چشیده و ناکامی را لمس کرده بود، هر گز و هر گز سرافراشته‌اش، حتی به بهای آسایش و نعمت و زیادتی فرود نیامد. دست‌بوس بزرگان نگزید گرچه بسیار و بسیار بر دستهای پرچین و زحمت کشیده‌ی مادر بوشه زده بود.

شرکت آشکارا و صمیمانه تختی در کوشش‌های سیاسی خشم استبدادیان را فرزونی پیشید تا بدانجا که از ورودش به باشگاه‌های وزرایی که این کردن و پایدار بماند، آنچه هزاران کند و پایدار بماند، آنچه هزاران هزار دست را به سوی آسمان دراز کرد تا توانائی و پیروزی تختی را از خداوند یکتا به نیاز خواهد نه تنها شاخت قدرت پهلوانی و پیروزی‌های این قهرمان که جوهر روح بلند و خاطر به بار آوردن.

تختی بر فراز سکوی قهرمانی المپیک ۱۹۵۶ ملبورن ایستاده است

مرگ برو

می‌شناشد. قدرت اندیشه و نیروی کار بدستان کشور باید در جهت رفع مشکلاتی از قبیل بیکاری به حرکت در آید نه در راه دامن زدن به آن. از سوی دیگر کاربدستان با کوتاهی خود و سرگردان کردن چند هزار راننده بیکار، در حقیقت گامی در جهت تقویت دشمنان انقلاب اسلامی ملت ایران برداشته و راه را برای رخنه آنان در میان مردم ناراضی گشوده‌اند.

اشغال ایشان داده شود. ولی کاربدستان شهرداری تهران با تعلل در اجرای این طرح شمار بسیاری را بر خیل ناراضیان افزوده‌اند بارها و بارها گفته شده است باید برای بیکاران کار فراهم آورد، نه از آن رو که بیم راه‌پیمایی آنان میرود، بلکه از می‌شندند و از دریای بیکاران در ایران، که باجرای آن شش هزار راننده و در حقیقت شش هزار خانواده از بیکاری رهایده می‌شندند و از دریای بیکاران دست کم قطراهی کاسته می‌شد. رانندگان اتوسیمبلهای شخصی مسافر کش نه ضد انقلاب هستند و نه دست نشانده بیگانگان، آنها تتها میخواهند براساس وعده‌های داده شده، ترتیب صدور پرسوانه

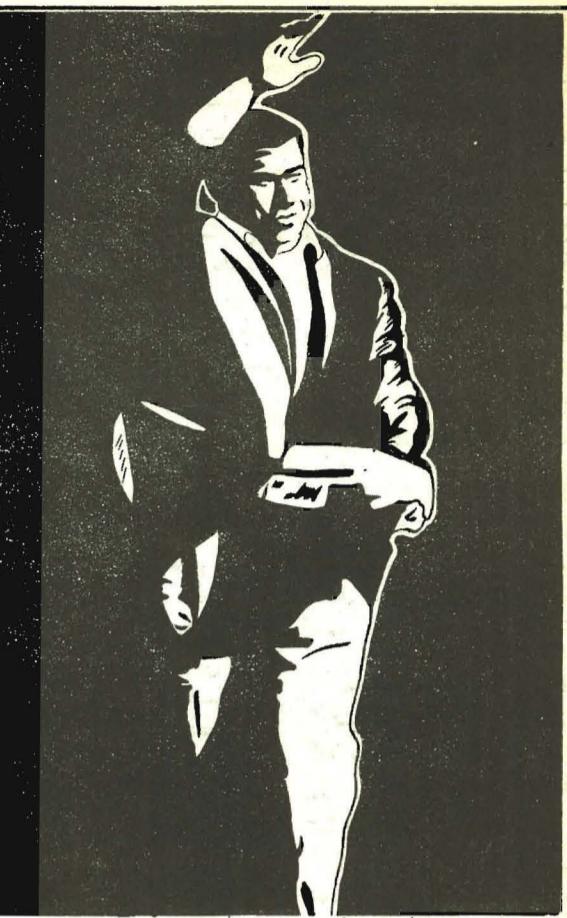
به حر سهی سدیری علیه آنان برخیزند، جای خویش را به کسانی دهند که به انقلاب و به مردم اعتقاد داشته باشند و نظام جمهوری اسلامی را با تمام وجود پذیرفته و به استقلال و آزادی و عدالت جهانگستر خدایی دلسته و از شایستگی‌ها و کارگرانی‌ها برخودار بوده و دلاری گفتن حقایق را داشته باشند. کاربدستان می‌شود فریب داد اما نه برای همیشه و اگر انقلاب محظای خود را از دست بدهد سرنوشت شومی درانتظارش خواهد بود. پیروزی در دوران سازندگی افق انتساب شده در اینجا ایشان را به میزانی که شایسته است، در حسنه و اگر ایمانی که شایسته است، در حسنه احسان نمی‌کنند، هرچه زودتر پیش از آنکه مردم

به یاد جهان پهلوان، تختی

«جدول نمودار مدالهای تختی»

سال	عنوان و مکان مسابقات	نوع مدال
۱۹۵۱	جهانی هلسینکی «فلاد»	نقره
۱۹۵۲	باریهای المپیک هلسینکی «فلاد»	نقره
۱۹۵۳	ستیوال جهانی ورشو «لهستان»	نقره
۱۹۵۶	باریهای المپیک میونیخ «مانترال»	نقره
۱۹۵۸	جاه جهانی صوفیه «فلادنیان»	نقره
۱۹۵۸	باریهای اساتی توکو (ایران)	نقره
۱۹۵۹	جهانی نهان	نقره
۱۹۶۰	باریهای المپیک رم (ایتالیا)	نقره
۱۹۶۱	جهانی بوکوهاما «ژاپن»	نقره
۱۹۶۲	جهانی تولید و آمریکا	نقره

جمعاً ۱۰ مدال: ۴ مدال طلا، ۶ مدال نقره



تا زنده است زمین

تابنده آفتاب
تو همچنان در قلب ما می‌مانی
در قلب ایران
تختی عزیز

«کارو»

در خشش جهان پهلوان محله‌های تهران زمامداری دکتر مصدق به سال ۱۳۳۰ روبه فزوی نهاد و در سال ۱۳۰۹ در مسابقه‌های کشتی در هلسینکی به مقام دوم قهرمانی جهان رسید. برای میهن خویش گردید.

آن یل بیست ساله با چهارهی پدرش، ارباب رجب تختی، پر تجیب و مهربانش و نگاه گریانش که از فزوی شرم آرام نداشت یکباره توجه همگانی را به پدره‌نگاههای فراگت را در روز خانه و کنار پهلوانان می‌گذرانید و با آئینهای این ورزش باستانی آشایی کامل داشت.

کودکی غلامرضا در میان کوچه‌های تند و دراز خانی آباد که آفتاب رانیز کمتر مجالی برای سرگشی به آنها بود با بازی‌های بچگانه و بی‌خیال از سایه‌ی شوم دیکتاتوری که همه جای ایران را زیر سلطه داشت، گذشت.

دوره ابتدائی رادرد-بستانی در محله‌ی قنات آباد فرا گرفت و دو روز متوسطه رادرد-بستان دقيقی در همان محله گذراند. حضور مدیران زورخانه در محله و بویژه تاثیر پدر، وی را به سوی بچگانه و بی‌خیال از سایه‌ی شوم دیکتاتوری که همه جای ایران کشید.

تختین تجربه‌ای ورزشی شتی رادرد سال ۱۳۲۴ در روز خانه «فولاد» کسب کرد و خیلی زود به میان سینه‌ی فراخ، بازوان توانا، روح بلند و اعتقداد دینی او حیران که همه از میدان بدر شدند.

بر شانه‌ی هم محلی‌ها، روی از آزم ریز بر تافت و عرق بر پیشانی بلند و مردانه‌اش نشسته زیر باران گلبرگ‌ها، اشک سپاس می‌ریخت و هلله‌ی زناها و مردها، شادی در پوست نگنجیدنی باران مدرسه‌ای، آن محله قدمی را با فرشی از گل به بهشت بدل کرده بود.

بوي خوب کندر و اسفند و جویباری که از خون گوسفنده و گاو و قربانی پدید آمده بود زنگار هر اندوهی از دل می‌زدود.

درزور خانه «فولاد» کسب کرد و خیلی زود به میان سینه‌ی فراخ، بازوان توانا، روح بلند و اعتقداد دینی او حیران که همه از میدان بدر شدند.

کشوری که گاه نادان بنظر میرسند و گاه دسیسه کار و گاه هردو، اگر توان انقلابی و بامردم شدن را در خود می‌توانند بوجود آورند، تا وقت ساقی است برآسته ایشان را در راه خدا و نجات انقلاب و میهان گام نهند و اگر ایمانی که شایسته است، در حسنه احسان نمی‌کنند، هرچه زودتر پیش از آنکه مردم

آدمان ملت

امان حرب ملت ایران

در جهان ملت‌ها چه می‌گذرد

عصر کنونی، عصر ملت‌هاست

حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در مصاحبه‌ای با خبرنگاران لبانی نقطه نظرهای خود را در قالب وحدت عربها و موضع سوریه نسبت به رونالد ریگان رئیس جمهور منتخب آمریکا اعلام داشت.

رئیس جمهور سوریه گفت: عصر حاضر، عصر ملت‌ها است. خواه این ملت‌ها گوچک باشند، خواه بزرگ و در هر حال دوران امپریالیستهای جهانخوار به پایان رسیده است.

حافظ اسد افزود: این ملت‌های خاورمیانه هستند که درباره جغرافیا و سیاست منطقه تصمیم خواهند گرفت و دیگران تنها می‌توانند ناظر بر تصمیم‌های آنها باشند.

رئیس جمهور سوریه درمورد رونالد ریگان رئیس جمهور منتخب آمریکا گفت: تجربه ثابت کرده است، سیاستهای آمریکا با تغییر رؤسای جمهور دگرگون نمی‌شود و موضع گیری سوریه نیز نسبت به سیاستهای آمریکا ثابت است.

گسترش کوشش‌های جبهه ملی مصر

ژنرال «سعد بن شاذلی» دبیر کل جبهه ملی مصر و رئیس پیشین ستاد ارتش مصر در مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی «القبس» اعلام کرد: گروههای مخالف رژیم استدیج در حال مسلح شدن می‌باشند زیرا «سادات» بادشمنان عربها و اسلام متعدد شده است.

وی افزود: جبهه ملی مصر در نظر دارد به جبهه پایداری عرب که از کشورهای سوریه، لیبی، یمن، چنوبی، الجزایر و سازمان آزادیبخش فلسطین تشکیل یافته، بپیوندد. همچنین دبیر کل جبهه ملی مصر این گزارش را که وی قصد دارد دولت در تعیین تشکیل دهد را کرد.

ژنرال شاذلی درمورد تماس بادیگر گروههای مخالف رژیم سادات گفت: جبهه ملی مصر تماسهای دائمی خود را با مجامعت گروههای دسته‌هایی که در داخل مصر خواهان سرنگونی رژیم سادات هستند، حفظ خواهد کرد زیرا اطمینان دارد رژیم سادات تنها توسط ملت مصر سرنگون خواهد شد.

غلبه بر انقلابیان افغانی غیر ممکن است

روزنامه پاکستانی «جنگ» گزارش داد، یک ژنرال روسی که توسط چنگ آوران افغانی در ۱۹۷۹ شده است به مرگ محکوم گردید.

این ژنرال روسی در ایالت «باغلان» در شمال کابل دستگیر و به دادرسی کشیده شد. روزنامه مزبور اضافه می‌کند، ژنرال یاده شده نامهای به لئوپلد برزنت نوشته و در آن خاطر نشان ساخته است که شکست و مرگ برای وی درآور می‌باشد. این ژنرال روسی از ادامه چنگی که منجر به شکست می‌شود اظهار تأسف کرده و غلبه بر مجاهدان را به خاطر موقعیت کوهستانی افغانستان غیر ممکن دانسته است.

تجربه اندوزیهای امپریالیسم امریکا

وزارت دفاع آمریکا (پیتاگون) اعلام کرد، نیروهای ضربتی آمریکا از مانور یکماهه قبل خود در مصر تجربه‌های فراوان آموخته‌اند.

مانور یاد شده که تحت نام «براپت استار» انجام شد و بیست و پنج میلیون دلار هزینه داشت و به ارتضی آمریکا اجازه داده تا ضعفهای خود را در مناطق کوپری یا در صورت چنگ در منطقه خلیج فارس ارزیابی کند.

یک افسر لشکر صد و یکم ارتضی آمریکا که بیشتر در مناطق چنگی ویتنام و نواحی کوهستانی اروپا خدمت کرده است اظهار داشت از مانور «براپت استار» هزاران درس فرا گرفته است.

افسر دیگر گفت: درین مانور کاربرد وسایل توام با دردرس یوده است و با بادهای شنی مشکل مددهای برای تمامی وسایل نقلیه و به خصوص هلیکوپترهای «کبرا» و «بلک هاوک» ایجاد کرده بودند.

مناطق شزار به پروانه‌های هلیکوپتر آسیب رسانده است ولی نظامیان آمریکائی روز چاره آن را یافته و پروانه هلیکوپترها را با نوعی پلاستیک عایق پوشانده‌اند.

نظامیان آمریکائی همچنین متوجه شده‌اند که لباس استار سیز رنگ برای مناطق کوپری مناسب نیست و پینت‌اگون تضمیم گرفته است برای نیروهای مداخله سریع، لباسی هم رنگ ماسه تهیه کند.

درین تعمیمات می‌باشد سیصد و چهل و پنج هزار لیتر سوخت هوایپما و هلیکوپتر دویست و هشتاد هزار لیتر سوخت وسایل نقلیه و یکصد و سی و پنج هزار لیتر آب آشامیدنی حمل می‌شود.

خبرگزاری فرانسه می‌افزاید، عملیات نا موفق «طبس» بسیاری از کمودهای ارتضی آمریکا برای مداخله در اینگونه مناطق را آشکار ساخته است.

دھقانان لهستان خواستار اتحادیه آزاد هستند

سشنده گذشته، هزاران دھقان از سراسر لهستان در پایتخت این کشور گرد آمدند و خواهان تشکیل رسمی اتحادیه آزاد دھقانان شدند.

یک ایستگاه رادیویی گزارش داد که تنها از یک دهکده هزار دھقان برای شرکت در تظاهر و اعلام خواستهای سرحق خود به ورثو رفته‌اند.

در ماه اکتبر گذشته دادگاه منطقه‌ای ورشو در خواست دھقانان را بینی بر تشکیل اتحادیه رد کرد و اعلام داشت که از آنجاییکه دھقانان در استخدام دولت نیستند، نمی‌توانند از لحاظ قانونی اتحادیه تشکیل دهند اما اما دھقانان می‌گویند آنان در عمل کار تولید نیازهای اقتصادی اتحادیه‌های کارگری را بهده دارند.

به رغم کمکهای غذایی که روسیه، آمریکا و دیگر کشورهای جهان در اختیار لهستان نهاده‌اند، دولت در نظر دارد سال آینده جبری‌بندی غذا را اجرا کند.

طرح موقتی جبری‌بندی مواد غذایی برای نخستین بار بعد از پایان چنگ جهانگیر دوم طی هفته کریسمس در این کشور به مرحله اجرا درآمد.

از سوی دیگر «پیوتور کسیک» مشاور اتحادیه دھقانان لهستان اعلام کرد در صورتیکه دھقانان تصمیم به اعتراض بگیرند، کمبود مواد غذایی بیش از ۵۰٪ نیازهای مشتق از گاز طبیعی است.

این گزارش حاکی است که در حال حاضر فقط نیمی از گنجایش پالایشگاههای نفتی عراق کار می‌کنند و کمیودهایی در زمینه تولیدات و تصفیه به چشم می‌خورد.

قدیریس اقتصاد و زبان‌های خارجی در حوزه‌های علمیه

از خبرهای هفت‌شنبه صادرات نفت عراق به کلی متوقف شد

خبرگزاری رویتر از بغداد گزارش داد بدنبال حمله‌های هوائی ایران کلیه صادرات نفتی عراق بطور کامل قطع شد. و فقط قسمت کمی از تلمبه خانه‌های آن کشور کار می‌کند.

بگفته منابع دبلوماتیک مقیم عراق حمله هوائی ایران که نزدیک به یکماه پیش به تاسیسات نفتی کرکوک در شمال عراق صورت گرفت باعث قطع کامل جریان نفتی شد که از طریق دولوله به سوریه و ترکیه رفت و از آنجا به خارج صادر می‌شد.

به عبارت دیگر بعد از بسته شدن خلیج فارس بر روی صادرات نفتی عراق تنها راه صدور نفت آن کشور که از سوریه و ترکیه بود نیز بسته شد.

اگرچه حمله‌های هوائی خلبانان ایرانی بسیار دقیق و برای عراقی‌ها مرگبار است، اما عراق به دلائل زیر می‌کوشد باز هم این تاسیسات را بکاراندازد:

اول اینکه، صادرات این لوله‌ها می‌تواند در آمد روزانه‌ای برابر سی میلیون دلار برای عراق داشته باشد.

دوم اینکه، نفت کالای خوبی برای معاوضه با قطعات یک‌گزینی موردنیاز ارتش عراق است.

سوم اینکه، عراق نیازمند مواد سوختی مشتق از گاز طبیعی است.

این گزارش حاکی است که در حال حاضر فقط نیمی از گنجایش پالایشگاههای نفتی عراق کار می‌کنند و کمیودهایی در زمینه تولیدات و تصفیه به چشم می‌خورد.

دکتر رضا داوری، سرپرست موقعت سازمان بین‌المللی آیت‌الله مشکینی در دیدار خود از چند شهر گیلان در مصاحبه‌ای با خبرگزاری پارس درمورد تزکیه در حوزه‌های علمیه گفت:

از سوی امام امت و دیگر مراجع برای رسیدگی به وضع داخلی حوزه‌ها و اصلاح آن‌ها گروهی تعیین شده است که از جمله اقدامات آن تشکیل دادگاه ویژه روحانیون و بررسی کیفیت دروس حوزه‌ها و تطبیق آن با نیازهای روز است.

در اجرای این هدف، دروس اقتصاد و زبان‌های خارجی و امثال آن نیز به طلاق آموخته می‌شود.

هفته بزرگداشت بوعلی سینا

بمناسبت یکهزار مین سال تولد بوعلی سینا از روز در تالار رود کی برگزار خواهد شد.

دکتر رضا داوری، سرپرست موقعت سازمان بین‌المللی یونسکو در ایران در این رابطه به خبرنگار کیهان گفت:

«سال ۱۹۸۰ از طرف یونسکو سال هزاره بوعلی سینا لقب گرفت و چون این دانشمند ایرانی در سال ۱۳۵۹ هجری شمسی متولد شده، در نتیجه سال ۱۳۵۹ مصادف با یکهزار مین سال تولد وی می‌باشد و چون تعداد زیادی از کشورها نسبت به برگزاری این مراسم اقدام کرده‌اند لازم بود ما که خود ایرانی هستیم نیز در این مورد اقدام کنیم.»

سرپرست موقعت یونسکو درمورد نحوه برگزاری این ائمیه گفت:

«هنوز نحوه اجراء دقیقاً مشخص نیست ولی براساس پیش‌بینی‌های انجام شده گروهی از اساتید فلسفه و طبی سخنرانی‌ها و مقالاتی نسبت به محتوای کتابهای این دانشمند گرانماهیه از اظهارنظر خواهد کرد.»

وی در پایان اضافه کرد:

در این مراسم تنها صاحب‌نظران ایرانی شرکت خواهند داشت و هیچ‌کدام از افراد خارجی جهت حضور در این مراسم دعوت نشده‌اند.

حساب محافظین از پاسداران جدا است!

در جلسه روز چهارشنبه دهم دیماه، رئیس مجلس در جواب اعتراض حضرت آیت‌الله لاهوتی به مسئله توهین پاسداران مجلس به ایشان گفت:

«اینها پاسدارهای مجلس نبوده‌اند بلکه محافظین بعضی از آقایان نماینده‌گان هستند که حسابشان از دیگران جدا است (!!) و بهر حال مسئله باید رسیدگی شود که آیا پاسدارها چنین کاری را کرده‌اند یا خیر (!)»

با این توجیه به این نتیجه میرسیم که محافظین بعضی از نماینده‌گان نیز مانند خود آنان از مصوبات پارلمانی برخوردار هستند و حسابشان از دیگران جداست!!

جنگ را با همه نیرو و قدر و زیستی دنبال کنید